

فعل در گویش تاتی کلاسور (Kalāsūr)*

احمد اصغری**

E-mail: A_Asghari21@yahoo.com

چکیده

با توجه به اهمیت حفظ و بررسی لهجه‌های مختلف زبان فارسی، به خصوص لهجه‌های رو به فراموشی نهاده، و با توجه به نقش گویش‌های ایرانی بازمانده در منطقه، در تشخیص و شناسایی زبان دیرین آذربایجان، در این مقاله کوشش شده است که ضمن معرفی روستای کلاسور (Kalāsūr) و موقعیت جغرافیایی و انسانی و نحوه معیشت مردم، به بررسی گویش تاتی این روستا پرداخته شود. در بخش آغازین سعی شده که درباره واژه تات، مطالب اندکی مطرح شود و در بخش اصلی مقاله با مثال‌های کافی چگونگی به کارگیری فعل و ساختار آن با توجه به مبانی دستور مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. بررسی چگونگی ساختار مصدر، زمان فعلها، ریشه فعلها، لازم و متعدی، چگونگی متعدی ساختن، فعل اسنادی، همکردهای فعلی و چگونگی سؤالی کردن و منفی کردن از مطالب اصلی این گفتار است. از نکته‌های مهم متفاوت بودن شناسه در ساختمان فعل ماضی ساده لازم و متعدی است که با فارسی میانه (پهلوی) ارتباط دارد. همچنین شناسه‌های نهادی جدا در فعلهای ماضی استمراری و مضارع اخباری که پیش از فعل ذکر می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: تاتی، کلاسور، فعل، مصدر، ماضی، مضارع، مستقبل، امر، لازم، متعدی.

* - تاریخ وصول ۸۴/۱۱/۲۹ تأیید نهایی ۸۵/۲/۹

** - دانشجوی دوره دکتری رشته ایران‌شناسی

«کلاسور» یکی از روستاهای واقع در محال حسنو کلیبر است. مردم آن بیش از پنجاه سال قبل به زبان تاتی سخن می‌گفتند. اغلب ساکنان تاتی زبان روستا به شهر مهاجرت نموده‌اند و در حال حاضر تنها چهار نفر از ساکنان آن هنوز به زبان تاتی سخن می‌گویند. در این گفتار قصد داریم به بررسی زبان این روستا بپردازیم.

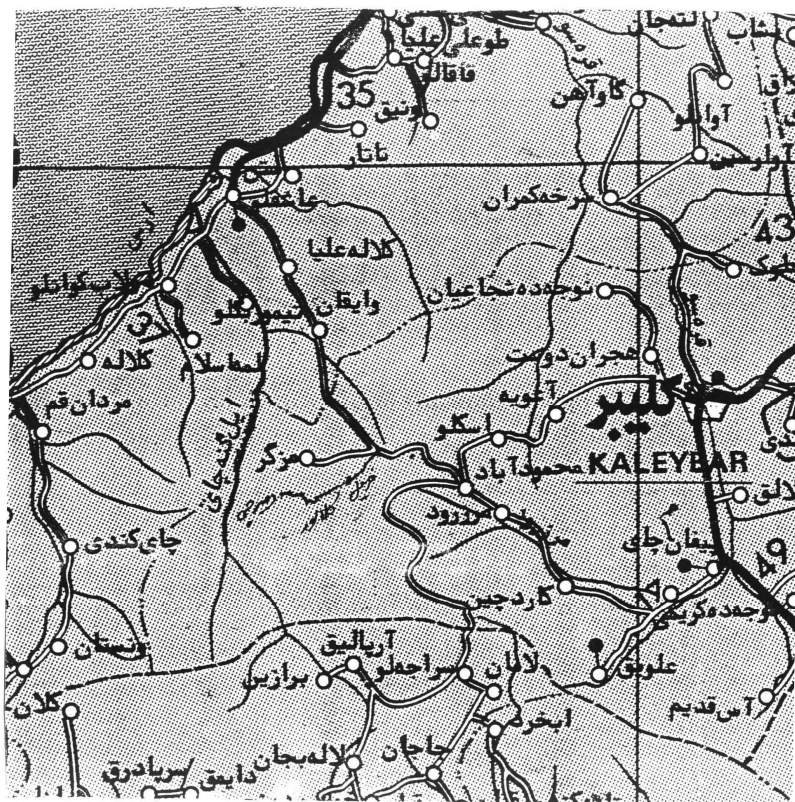
کلاسور بنا به گفته پیرمردی شصت و هفت ساله، به جایی گفته می‌شود که بسیار مورد حمله و غارت قرار گرفته باشد و بنا به قولی دیگر در اصل کلاه‌سرخ بود که به مرور زمان به کلاسور تبدیل شده است. قول اخیر مرجح به نظر می‌رسد. این روستا در ۸۹ کیلومتری شهرستان اهر و تقریباً ۴۲ کیلومتری کلیبر قرار دارد. روستایی در میان کوههایی محصور شده که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: میرعلی (کوهی پوشیده از درخت که خانه‌های روستا رو به آن کوه است)، دیره (ورودی روستا)، تژگیری (بالای روستا)، شتیر، پرهور، مهدی خان‌وردی، قره‌گوش، سبلان (غیر از سبلان اردبیل است) و سلیمان. از طرف اهر به کلاسور روستاهای زیر سر راه قرار گرفته‌اند: پسته‌بک (۳ کیلومتری)، شیله‌بران (۷ کیلومتری)، قلعه (۱۱ کیلومتری)، ورگهان (۱۵ کیلومتری)، سامبران (۱۷ کیلومتری)، سهراهی هوراند (۱۹ کیلومتری)، آقادره (۳۱ کیلومتری)، چلپاقدره (۳۲ کیلومتری)، ساری‌بلاغ (۳۶ کیلومتری)، آس (۳۷ کیلومتری)، یوزبند (۴۰ کیلومتری)، پیغام (۴۷ کیلومتری) - دو کیلومتر بعد از پیغام جاده خاکی می‌شود -، نوغاده - نوجه ده (۵۱ کیلومتری)، برزیت (۶۵ کیلومتری)، مرز رود (۷۲ کیلومتری)، محمودآباد (۷۵ کیلومتری)، خریل (۸۵ کیلومتری) قرار دارد. تقریباً ۱۰ کیلومتر مانده به کلاسور، جاده بسیار ناهموار و خطرناک است. بنا به گفته روستاییان خوی نرو (خوینه‌رو)، دمیرچی، مزگر، ارزین، ونستان، چای‌کندی، ملک و ... نیز زبان تاتی دارند.

مردم «کلاسور» به کشاورزی، کشت جو و گندم و دامداری می‌پردازند و محصولات باغداری در آنجا محدود به زغال و گردو و سیب می‌شود. روستا تقریباً در

پایین کوه واقع شده است و کوه بلندی روبروی روستا وجود دارد که پر از درختان جنگلی است.

ساکنان روستا (سیصد نفر) مذهب شیعه دارند. روستا دارای آب، برق و تلفن است و حدود ۱۵ سال پیش به آنجا جاده کشیده‌اند.

زبان این روستاییان در حال حاضر برای ارتباط با یکدیگر ترکی است. بعضی از اهالی از روستاهای دیگر به آنجا کوچ کرده‌اند که اصلاً ترک هستند و گروهی هم از روستاهای آرزین و خوی نرو، مزگر و دمیرچی که تات هستند، به این روستا مهاجرت نموده‌اند. به طور کلی زبان تاتی در میان خانواده‌های تاتی زبان، به صورت بسیار ضعیف به حیات خود ادامه می‌دهد و شاید پس از مرگ چند پیرمرد و پیرزن کلاسوری، دیگر از تاتی کلاسور اثری نماند. یادآوری این نکته ضروری است که تاتی آرزین و خوی نرو تفاوت اندکی با تاتی کلاسور دارند.



در حوزه زبان فارسی، کلمه «تاتی» به زبان یا نیم زبانی اطلاق شده است که در بخشهای بسیاری از سرزمین ایران و قفقاز بدان تکلم می‌شود. همچنین واژه تات در زبان ترکی، مصغر شده کلمه «تانغوت» به معنی بیگانه است (پورمحمد املشی، بررسی تاریخ و معنا و کاربرد واژه‌های تات) که پس از استیلای ترکان بر سرزمینهای شرقی ایران، به ایرانیان اطلاق شده است. همچنین تات به معنی مرد دانا و باسواد و صاحب کتاب به کار رفته است (کارنگ، تاتی و هرزنی ص ۳۲) به طوری که در دوره صفویه، جامعه ایران به دو گروه اهل شمشیر (ترکها) و اهل قلم (تاتها یا تاجیکها) تقسیم شده است.

تات واژه‌ای ترکی است که به مردمان ساکن در سرزمینهای ترکان اطلاق می‌شد. این واژه در کتیبه‌های اورخون - قرن هشتم میلادی - آمده و در طول زمان دچار تحولات معنایی گردیده است. مثلاً در زمان تفوق ترکان بر سرزمین ایران، به ایرانیان و همچنین به گروههای ایرانی‌نژاد ساکن ایران و قفقاز اطلاق شده است. (مصاحب، دایره‌المعارف، جلد اول) یا ترکان، مردم زراعت پیشه و تخته‌قاپوی ایرانی زبان را تات می‌خواندند. (ارانسکی، مقدمه فقه اللغة ایرانی، ص ۳۱۶) و گاهی تات را با تاجیک و تازی یک مربوط می‌دانند و همچنین معادل تاجیک یعنی فارسی زبانان می‌دانند. (بهار، سبک‌شناسی، جلد سوم، ص ۵۰)

گوش تاتی آذربایجان بنا به تصریح مورخان و اندیشمندان گذشته و حال، از قبیل ابن مقفع (۱)، حمزه اصفهانی (سنی ملوک الارض و انبیاء)، خوارزمی (مفاتیح‌العلوم)، بلاذری (فتوح البلدان)، یعقوبی (البلدان)، مسعودی (التنبیه‌الاشراف)، ابن حوقل (المسالک و الممالک)، مقدسی (احسن التقاسیم)، یاقوت (معجم البلدان - معجم‌الادبا)، مستوفی (نزهت القلوب)، احمد کسروی (آذری یا زبان باستانی آذربایجان)، کارنگ (تاتی و هرزنی)، مرتضوی (زبان دیرین آذربایجان)، احسان یار

شاطر (A grammar of southern TATI dialects)، هنینگ (The Ancient Language of Azerbaijan)، مارکوارت (ایران شهر) و ... زبان

مردم ساکن در سرزمینهای شمالی ایران بوده است که اهم آنها عبارتند از:

«کَرینگان، چای کندی، دیزج مَلک، وِستان، کلاسور، خوی نرو (خوینه‌رو)، آرزین، گلین قَیه، هَرزند بابه، قَره بلاغ، دیزج قُربان، دَمیرچی و مَزگر» در آذربایجان شرقی و «عَنْبَران، اَسکِستان، اَسبو، دِرو، کَلور، شال، دیز، کَرین، لرد، کِهَل، طَهَارْم، گِلوزان، گیلوان، گندم آباد، کَرَنق و کَجَل» در استان اردبیل و بخشهایی از گیلان، قزوین، تاکستان، زنجان، همدان، اراک و ...

مارکوارت (marquart) ایران‌شناس آلمانی در کتاب «ایران شهر» زبان پهلوی اشکانی را با زبان قدیم آذربایجان مرتبط دانسته است (همان). همچنین زبان باستانی آذربایجان باقی مانده و تحول یافته زبان مادی و دارای ریشه آریایی است که مورخین و سیاحان و جغرافی نویسان اسلامی و عرب آن را فارسی، فهلوی، اذربی و آذری نامیده‌اند. (کارنگ، تاتی و هرزنی، ص ۸-۱۲ و مرتضوی، زبان دیرین آذربایجان، ص ۳۱).

زبان آذری در متون قدیمی عربی و فارسی منحصرأ و تخصیصاً نام آن گویشی از فارسی است که در آذربایجان و اران و کناره‌های غربی دریای خزر و مناطق گشتاسبی و قراداغ زبان رایج بوده و بدان تکلم می‌کردند. (افشار، زبان فارسی در آذربایجان، مقدمه جلد ۲)

اگر امروز به واژه‌های کشاورزی، ساختمانی، اسامی مکانها و ... دقت کنیم هنوز هم آثار زبان آذری تاتی غیر قابل انکار است. به عنوان مثال:

کشاورزی: باغچه، بستان، شُخْم، تُّخْم، گاو آهن، خرمن، کدخدا، جوال، وریان، ول، ور، چوپان و باغبان، شنه، کوشن، چمن، جوت، میشه، چودار و ...

ساختمانی: گز، حصیر، تشه، مالا، فعله، شاگرد، بنا، شوول، گج، لوغاب، سوتون، خیشت، یخ، دندنه، کرواشان(تیر نازک)، دراوسار (درافزار)، پایا، سگی، خرپوشته، گفل بت (قفل بند)، شوشه، تراز، زنبه، فرقون، بیل، کلنگ، نردوان، خرک، آهاک، دوار، ایوان، آستانا، بالاخانا، زرزمی (زیرزمین)، پلکان، انبار، چاله سر، آخر، حوض، گژکار، هره، دهلیز و ...

مکانها: آبخار، بستان آباد، آجرلو، آسایش، آشستان، ارسباران، ارجان، اسب آباد، اسپهلان، اسکلو، اسنجان، آفشرد، تاتار، عریان تپه، ترزم، خریل و ...

در این گفتار که بخشی از دستور زبان و آواشناسی تاتی کلاسور است، نیم نگاهی به روش تحقیق استاد منوچهر مرتضوی درباره فعل در زبان هرزنی و (*A GRAMMER OF SOUTHERN TATI DIALECTS*) از احسان یار شاطر شده است.

واسطه گفتار با گویشوران کلاسوری زبان ترکی، جناب آقای حسین پورقربان یکی از معمرین معتمد و متدین روستای کلاسور بوده است که از پدر و مادر تات زبان و اصلاً کلاسوری هستند. سعی بر این بوده است از ذکر واژه‌های ترکی و فارسی راه یافته در تاتی جلوگیری شده است. و در موارد اندکی که در زبان تاتی هم معادل برای آنها نبوده است، از آوردن واژه‌های ترکی خودداری شده است. در بخش مصدر نمونه‌های بسیاری ارائه شده اما در بخش صرف فعل در زمانهای مختلف به نمونه‌های اندکی قناعت شده تا از اطناب به دور باشد. قواعد ساخت فعلها به زبان ساده بیان شده تا پیش زمینه‌ای برای مطالعات دیگر باشد.

در نوشتن تلفظ واژه‌ها از خط لاتین استفاده شده است که کلید آنها در

زیر می‌آید:

مصوت (Vowel)

أ = ü = اُزوم = خودم

ā = آ

a = ا

مانند صدای OW نو

أ = ö = اُزم = انگور

i = ای

e = اِ

u = او

o = اُ

صامت (Consonant)

q = غ

d = د

b = ب

m = م

f = ف

r = ر

p = پ

n = ن

q = ق

z = ز

t = ت

v = و

k = ک

ž = ژ

j = ج

h = هـ

g = گ

s = س

č = چ

y = ی

l = ل

š = ش

x = خ

δ = ذ

مصدر (infinitive)

مصدرهای زبان تاتی کلاسور به (e) ختم می‌شود که واج ما قبل آنها اغلب عبارتند

از: (n, r, d, t) به این ترتیب مصدرهای کلاسوری به چهار دسته کلی تقسیم می‌گردد:

۱- مختوم به **te**:

<i>q̄eneste</i>	fīte	<i>peq̄ārete</i>	Pāte
bereste	pešte	Köste	tāreste
sereste	hete	ute	rete

۲- مختوم به **de**:

vārde	hānde	Bārde	vinde
vendā rde	hārde	bōqāde	serunde
aešde	mārde	<i>kā s̄q̄āde</i>	<i>hurq̄āde</i>

۳- مختوم به **re**:

umare	bere	kāšdure	tārešdure
dozdire	nure	aspenire	šere

۴- مختوم به **ne**:

kerne	lārzune	čārne	verune
turne	čīne	čurne	qelne
rašdune	taresne	berune	rune

* بعضی از مصدرها به (čeredu) du گرفتن، به (kusta) ta بافتن یا

(hesta) داشتن، (kāndan) an کردن، (mačkāruš) uš بوسیدن، ختم می‌شود

که موارد استثنایی هستند.

* در مواردی که مصدر به te و re ختم می‌شود قبل از آنها مصوت (Vowel) و در مواردی که به de و ne ختم شده قبل از آنها صامت (Consonant) آمده است.

مصادر مهم زبان تاتی کلاسور

köste	تکاندن	umare	آمدن
verite	جنبیدن	vārde	آوردن
qelne	جوشاندن	geneste	افتادن
qeleste	جوشیدن	fite	انداختن
žašte	جویدن	vendārde	ایستادن
čarune	چراندن	kusta	بافتن
časbānde	چسباندن	aešde	برخاستن
čašde	چسبیدن	peqārete	برداشتن
čalaste	چکیدن	bārde	بردن
čine	چیدن	čeresde	برگشتن
turne	خاریدن	bere	بریدن
hesdare	خریدن	bāste	بستن
serunde	خنداندن	bere	بودن
sereste	خندیدن	māč	بوسیدن
hāneste	خواباندن	karuš	
hete	خوابیدن	bōqāde	بوییدن
hānde	خواندن	pāte	پختن
hārde	خوردن	kaš dure	پراندن
dure	دادن	kaš	پریدن
		berune	پوساندن

hesta	داشتن	bereste	پوسیدن
zuneste	دانستن	pešte	پیچاندن
dereste	دریدن	tārešdure	پیچیدن
dezdire	دزدیدن	tursene	ترساندن
dute	دوختن	tāreste	ترسیدن
kāšte	کاشتن	dete	دوشیدن
verune	کاویدن	verite	دویدن
qāde	کردن	vinde	دیدن
kešte	کشتن	hayqāde	راندن
kerne	کشیدن	rune	رساندن
kāndan	کندن	žāte	رسیدن
kuste	کوبیدن	šere	رفتن
nure	گذاشتن	rete	ریختن
qārete	گرفتن	žare	زدن
berameste	گریستن	dute (۲)	ساختن
čārne	گشتن	šuste	ساییدن
uqāde	گشودن	vašde	سوختن
ute	گفتن	vašdune	سوزاندن
lārzune	لرزیدن	bere	شدن
kerne (۳)	مالیدن	šesde	شستن
munde	ماندن	terekeste	شکافتن
mārde	مردن	lānqesta	شلیدن
āspenire	مکیدن	maste	شنیدن
nešte	نشستن	āšmārde	شمردن

فعل در گویش تاتی کلاسور (Kalāsūr)			
nevešte	نوشتن	senuste	شناختن
hurqāde	نوشیدن	verānde	فرستادن
vinde (۴)	یافتن	herāte	فروختن

لازم (intransitive) و متعدی (transitive)

۱- بعضی از فعلها در حالت عادی به صورت لازم به کار می‌روند.

umare (آمدن) hete (خوابیدن) šere (رفتن)
nešte (نشستن)

۲- بعضی از افعال در حالت عادی به صورت متعدی به کار می‌روند.

vinde (دیدن) qārete (گرفتن) ute (گفتن) fite (انداختن)

۳- بعضی از افعال به صورت قاعده‌مند متعدی می‌شوند. (۵) به این صورت که با

اضافه کردن «nir» در ماضی و «nur» در مضارع، به آخر بن ماضی می‌سازند.

hitim (خوابیدم) → heturnirma (خواباندم)

neštīm (نشستم) → neštunirma (نشاندم)

tārestim (ترسیدم) → tāresenirma (ترساندم)

vašda (سوخت) → vašdunirča (سوزاند)

beramesda (گریست) → beramuniča (گریاند)

ava sereste (می‌خندند) → ava serstune (می‌خندانند)

ava hārde (می‌خورد) → ava hārdune (می‌خوراند)

۴- بعضی از فعلهای متعدی به صورت بی‌قاعده (سماعی) به جای فعلهای لازم به

کار می‌روند.

umara (آمد) → varča (آورد)

genesta (افتاد) → fitča (انداخت)

seresta (خندید) → serunča (خنداند)

žata (رسید) (۶) → rusnirča (رساند)

Sisde (شکست) → sendirča (شکاند)

۵- اگر پایان فعل صامت باشد، برای متعدی کردن « unir » می‌آورند تا دو صامت در کنار یکدیگر قرار نگیرد و تلفظ را آسان بکند. لذا « u » به عنوان یک حرف صدادار پیش از « nir » قرار می‌گیرد.

۶- برای متعدی ساختن از « dure » نیز استفاده می‌شود.

kašdure (پراندن)

ریشه (stem)

فعل‌های ماضی استمراری و مضارع اخباری از مصدر، فعل امر از بن مضارع و فعل‌های ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی نقلی، ماضی بعید، ماضی التزامی از بن ماضی (۷) ساخته می‌شوند. فعل مضارع التزامی گاهی از بن ماضی و گاهی از بن مضارع ساخته می‌شود.

صیغه‌های مشتق از ریشه مصدر

۱- ماضی استمراری (Past progressive): این فعل در تاتی کلاسوری به

وسیله حلقه‌های پیشین + مصدر ساخته می‌شود.

۱-۱ لاقه‌های پیشین صرفی به ترتیب برای مفرد و جمع به صورت سه شخص

اول، دوم و سوم کاربرد دارد.

	مفرد	جمع
اول شخص	avum	avumun
دوم شخص	avuš	avur
سوم شخص	avu	avund

۱-۲- این لاحقه‌های پیشین در فعلهای لازم و متعدی یکسان هستند.

لازم	avum	می خوابیدم	avumun	می خوابیدیم
	hete		hete	
	avuš	می خوابیدی	avur	می خوابیدید
	hete		hete	
	avu	می خوابید	avund	می خوابیدند
	hete		hete	

متعدی	avum	می خوردم	avumun	می خوردیم
	hārde		hārde	
	avuš	می خوردی	avur	می خوردید
	hārde		hārde	
	avu	می خورد	avund	می خوردند
	hārde		hārde	

۱-۳- در این فعل، شناسه در آخر فعل وجود ندارد و شخص افعال به کمک

لاحقه‌های پیشین شناخته می‌شود.

۲- مضارع اخباری (Indicative present): لاحقه‌های پیشین + مصدر

۲-۱- لاحقه‌های پیشین مضارع اخباری به شرح زیر است: (۸)

	مفرد	جمع
اول شخص	enim – avim	enemun – enimun
دوم شخص	eniš	avir – anir
سوم شخص	Ava	avind

۲-۲- این لاحقه‌های پیشین در فعلهای لازم و متعدی با یکدیگر اختلاف ندارند.

لازم

enim	می‌آیم	enemun	می‌آییم
umare		umare	
eniš	می‌آیی	avir	می‌آیید
umare		umare	
ava	می‌آید	avind	می‌آیند
umare		umare	

متعدی

enim	می‌بینم	enemun	می‌بینیم
vinde		vinde	
eniš	می‌بینی	avir	می‌بینید
vinde		vinde	
ava	می‌بیند	avind	می‌بینند
vinde		vinde	

۲-۳- گاهی در مضارع اخباری پیش از فعل « aveš » می‌آید.

mun	enim	aveš	fite	من می‌اندازم
te	eniš	aveš	fite	تو می‌اندازی
av	ava	aveš	fite	او می‌اندازد
amen	enemun	aveš	fite	ما می‌اندازیم
šemen	avir	aveš	Fite	شما می‌اندازید
ave	avend	aveš	Fite	آنها می‌اندازند

۳- مضارع التزامی (Subjunctive present) : این فعل از بن ماضی (۹) یا

بن مضارع ساخته می‌شود. شناسه + بن + be (۱۰).

۳-۱- شناسه در مضارع التزامی به شرح زیر است:

	مفرد	جمع
اول شخص	em	ām
دوم شخص	i	ir
سوم شخص	i	end

۳-۲- شناسه در دوم شخص مفرد و سوم شخص مفرد یکسان است.

۳-۳- بن ماضی ریشه فعل مضارع التزامی را تشکیل می‌دهد.

لازم

be	بایستم	be	بایستیم
vendārdem		vendārdām	
be	بایستی	be	بایستید
vendārdi		vendārdir	
be	بایستد	be	بایستند
vendārdi		vendārdend	

متعدی

beutem	بگویم	beutām	بگوییم
beuti	بگویی	beutir	بگویید
beuti	بگوید	beutend	بگویند

۳-۴- بن مضارع ریشه فعل مضارع التزامی را تشکیل می‌دهد.

از مصدر *umare*

buyem	بیایم	(۱۱)	بیاییم
		buyām	
buyi	بیایی	buyir	بیایید
buyi	بیاید	buyend	بیایند

۴- ماضی مطلق «ساده» (*Past preterit*): از مصدر بدون «e یا de» یعنی

بن ماضی ساخته می‌شود. در فعل ماضی مطلق شناسه‌های فعل لازم و متعدی متفاوت

هستند (۱۲) و در آخر فعل ذکر می‌گردند.

شناسه فعل لازم ماضی مطلق

	مفرد	جمع
اول شخص	im	imun
دوم شخص	iš	ir
سوم شخص	a	ind

شناسه فعل متعدی ماضی مطلق (۱۳)

	مفرد	جمع
اول شخص	ma	muna
دوم شخص	ra	runa
سوم شخص	ča	čuna

صرف فعل ماضی مطلق لازم

aešdim	برخاستم	aešdimun	برخاستیم
aešdiš	برخاستی	aešdir	برخاستید
aešda	برخاست	aešdind	برخاستند

صرف فعل ماضی مطلق متعدی

گرفتم	گرفتیم
<i>qāretma</i>	<i>qāretmuna</i>
گرفتی	گرفتید
<i>qāretra</i>	<i>qāretruna</i>
گرفت	گرفتند
<i>qāreta</i>	<i>qāret^vcuna</i>

۵- ماضی بعید (Plu perfect): از مصدر بدون «e یا de» ساخته می‌شود. (۱۴)

شناسه (۱۵) در فعل ماضی بعید لازم

	مفرد	جمع
اول شخص	um	umun
دوم شخص	uš	uš
سوم شخص	u	und

صرف فعل ماضی بعید لازم

نشسته بودم	نشسته بودیم
neštum	neštumun
نشسته بودی	نشسته بودید
nešuš	neštuš
نشسته بود	نشسته بودند
neštu	neštund

شناسه در فعل ماضی بعید متعدی

	مفرد	جمع
اول شخص	mu	muna
دوم شخص	ru	runa
سوم شخص	ču	čuna

صرف فعل ماضی بعید متعدی

گفته بودم	گفته بودیم
utmu	utmuna
گفته بودی	گفته بودید
utru	utrana
گفته بود	گفته بودند
utču	utcuna

۶- فعل امر (Imperative) : برای ساختن فعل امر از بن مضارع استفاده می‌شود و به اول فعل be یا biš آورده می‌شود.

۶-۱- گاهی بن فعل امر متفاوت از مصدر است.

bu (۱۶)	بیا	(۱۷)	بیاپید	umare	از مصدر
		buyān			
beš	برو	be šān	بروید	šere	از مصدر
Be su	بساب	besuyān	بسابید	šuste	از مصدر
biš na	بگذار	bis nayān	بگذارید	nure	از مصدر
bay	برخیز	bayān	برخیزید	vendarde	از مصدر

۶-۲- گاهی بن فعل امر از ریشه همان مصدر است.

be bram	گریه کن	be bramān	گریه کنید	bermasde	از مصدر
be het	بخواب	be hetān	بخوابید	hete	از مصدر
biš fit	بینداز	biš fitān	بیندازید	fite	از مصدر
ba ha	بخور	ba harān (۱۸)	بخورید	hārde	از مصدر
biš vind	ببین	biš vindān	ببینید	vinde	از مصدر
biš qāret	بگیر	biš qāre tān	بگیرید	qārete	از مصدر
be ut	بگو	be utān	بگوید	ute	از مصدر
biš bāst	ببند	biš bāstān	ببندید	bāste	از مصدر
biš ber	ببر	biš berān	ببرید	bere	از مصدر

۷- آینده (Future): این فعل از مصدر بدون « e » + any + شناسه فعل لازم

ساخته می شود.

	مفرد		جمع
hārdanyim	خواهم خورد	hārdanyimun	خواهیم خورد
hārdanyiš	خواهی خورد	hārdanyir	خواهید خورد
hārdanya	خواهد خورد	hārdanyind	خواهند خورد
šeranyim	خواهم رفت	šeranyimun	خواهیم رفت
šeranyiš	خواهی رفت	šeranyir	خواهید رفت
šeranya	خواهد رفت	šeranyind	خواهند رفت

* گاهی به جای « any » ، « aniš » می آید.

vindanišim	خواهم دید	vindanišimun	خواهیم دید
vindanišiš	خواهی دید	vindanišir	خواهید دید
vindaniša	خواهد دید	vindanišind	خواهند دید

روش منفی ساختن

۱- برای منفی کردن فعل امر از « ma » به جای be یا biš استفاده می شود.

beš	maš	نرو	baha	maha	نخور
beut	maut	نگو	behet	mahet	نخواب

۲- برای منفی کردن فعل ماضی به اول فعل در ماضی لازم « ne » می آورند.

nehetim	نخوابیدم	neheimun	نخوابیدیم
---------	----------	----------	-----------

۲۱ فعل در گویش تاتی کلاسور (Kalāsūr)			
nehetiš	نخوابیدی	nehetir	نخوابیدید
neheta	نخوابید	nehetind	نخوابیدند
۳- برای منفی کردن فعل ماضی متعدی به اول فعل پیشوندهای متناسب با شخص فعل می‌آید و در آخر مصدر بعد از حذف «e»، «a» می‌آورند.			
nim hārda	نمی‌خورم	nimunhārda	نمی‌خوریم
nir hārda	نمی‌خوری	nirun hārda	نمی‌خورید
niš harda	نمی‌خورد	nišun hārda	نمی‌خورند
۴- برای منفی کردن فعل مضارع بعد از ریشه فعل «āndan» به همراه شناسه متناسب با شخص فعل ذکر می‌شود.			
utāndanim	نمی‌گویم	utāndanimun	نمی‌گوییم
utāndaniš	نمی‌گویی	utāndanir	نمی‌گویید
Utāndani	نمی‌گوید	utāndanind	نمی‌گویند
šerāndanim	نمی‌روم	šerāndanimun	نمی‌رویم
šerāndaniš	نمی‌روی	šerāndanir	نمی‌روید
šerāndani	نمی‌رود	šerāndanind	نمی‌روند

نکات متفرقه در مورد فعل

۱- به جای فعل اسنادی «است» فارسی «a» به کار می‌رود.

em durž a

šuhəriž a این دهاتی است

a čamen kar čuk آن شهری است

خانه ما خوب است

۲- $\bar{q}āde$ به عنوان همکرد به کار می‌رود که معادل فارسی «کردن» است.

$\bar{q}āde\ pur$ پرکردن $\bar{q}āde\ kāš$ پرواز کردن $\bar{q}āde\ jeru$ جداکردن

۳- «bera» به جای «شدن» فارسی به کار می‌رود.

bera bāste	بسته شدن	bera piruz	پیروز شدن
bera nāsāz	بیمار شدن	bera taši	تشنه شدن
berau	باز شدن	bera tārn	خیس شدن

۳-۱- صرف آن همانند یک فعل عادی ماضی مطلق لازم است.

	مفرد	جمع
اول شخص	berim	berimun
دوم شخص	beriš	berir
سوم شخص	bera	berind

۳-۲- این فعل به جای «بودن» هم به کار می‌رود.

۴- برای سؤالی کردن قاعده خاصی وجود ندارد فقط از روی لحن کلام و طریق

گفتار، جمله پرسشی فهمیده می‌شود.

پی‌نوشت

۱- به نقل از الفهرست بن ندیم. می‌گوید: ابن مقفع انواع زبان فارسی را «فهلوی»،

«دری فارسی»، «خوزی»، «سریانی» می‌نامند و فهلوی را منسوب به فهله (اصفهان، ری،

همدان، ماه‌نهاد، آذربایجان) می‌داند.

۲- *dute* به معنی دوختن هم می‌آید.

۳- kerne به معنی کشیدن هم می‌آید.

۴- vinde به معنی دیدن هم می‌آید.

۵- بعد از متعدی کردن فعل لازم، شناسه‌های آن نیز به شناسه‌های فعل متعدی، تبدیل می‌شود.

۶- این فعل به صورت با قاعده نیز متعدی می‌شود، البته گاهی به جای «nir» «nur» می‌آید. (رساند) «žatenurča» (می‌رساند) «žatenure»

۷- بن ماضی از مصدر بدون «e» به دست می‌آید و گاهی بدون «de» ساخته می‌شود

۸- احسان یار شاطر در دانشنامه ایران و اسلام جزء اول bažareš (می‌زنی) badurem (می‌خوابم) bašem (می‌روم) را مضارع اخباری می‌داند که این مورد اخیر شاید مضارع التزامی (bašem) از šere (رفتن) است. و به ترتیب معادل آنها enim hete. enišžāte

۹- بن ماضی از مصدر بدون «e» به دست می‌آید و گاهی بدون «de» ساخته می‌شود.

۱۰- گاهی به اول مضارع التزامی، به جای «be» «biš» یا «ba» می‌آید. مثال:

baharem (بخورم)

۱۱- buyom نیز تلفظ می‌شود.

۱۲- صرف فعل لازم و متعدی در فارسی میانه (پهلوی) متفاوت است. رک

W. B. Henning – The Ancient Language of Azerbaijan 1954

۱۳- صرف ماضی نقلی (perfect) مانند ماضی ساده است.

۱۴- ماضی التزامی نیز همانند ماضی بعید صرف می‌شود. در مصدرهایی که به «de»

ختم می‌شود مانند «vinmu» از مصدر «vinde» یا «hārmu» از مصدر «hārde» در ماضی

بعید و ساده «de» حذف می‌شود این امر علت فونتیک دارد.

۱۵- شناسه فعل ماضی بعید لازم در دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع

یکسان است.

۱۶- فعل مضارع التزامی آن به ترتیب به صورت « buyi ، buyi ، buyem ، buyend ، buyir ، buyām » صرف می شود.

۱۷- برای تبدیل فعل امر مفرد به جمع مخاطب از شناسه « ān » استفاده می کنند چنانچه ریشه فعلی به مصوت (vowel) ختم شود پیش از شناسه «y» می آورند که التقاء مصوت پیش نیاید.

۱۸- گاهی « ba » به اول فعل امر می آید همچنین گاهی به آخر فعل امر « ka » می آید. مانند (رانندن « hayeška ») (بنوش « hurka ») (بیوی « böka ») (بیوس « mačeška »). گاهی فعل به تنهایی امر است. (بشنو « be » از مصدر bere)

منابع

- ارانسکی. مقدمه *فقه اللغة ایرانی*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: انتشارات پیام ۱۳۵۸.
- دانش نامه ایران و اسلام*، تهران: ۱۳۵۴.
- زبان فارسی در آذربایجان*، از نوشته های دانشمندان و زبان شناسان، مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، شماره ۴۱، ج ۲، چ ۱، تهران: ۱۳۷۳.
- ذکا، یحیی. *جستارهایی درباره زبان مردم آذربایگان*، مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، تهران: ۱۳۷۹.
- کاتبی، حسینقلی. *زبانهای باستانی آذربایجان*، چاپ مروی، چ ۱، تهران: انتشارات پازنگ ۱۳۶۹.
- کارنگ، عبدالعلی. *تاتی و هرزنی*، تبریز: چاپ شفق، ۱۳۳۳.

کسروی، احمد. *آذری یا زبان باستان آذربایجان*، تهران: نشر و پخش کتاب ۲۵۳۵.

مرتضوی، منوچهر. «فعل در زبان هرزنی»، نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز، ۱۳۴۲.

زبان دیرین آذربایجان، مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، تهران: ۱۳۶۰.

چهره آذربادگان در آئینه تاریخ، مقاله زبان آذربایجان، تبریز: ۱۳۵۳.

مارکورات. *ایران شهر*، ترجمه دکتر مریم میراحمدی، تهران: انتشارات اطلاعات ۱۳۷۳.

ملک الشعراى بهار. *سبک‌شناسی*، تهران: انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۹.

W. B. Henning , *The Ancient Language of Azerbaijan* 1954

Yarshater, Ehsan, *A grammer of southern TATI dialects*. The hague, Paris 1969.